

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم انسانی و بایسته‌های آن از نگاه مقام معظم رهبری



طراحی و تنظیم: پایگاه نمو

www.nomov.ir

فهرست

مهم‌ترین نکات درباره علوم انسانی در بیانات مقام معظم رهبری.....	۴
(۱) اهمیت علوم انسانی.....	۴
(۲) آسیب‌شناسی علوم انسانی.....	۶
(۳) بایسته‌های علوم انسانی.....	۹
مهم‌ترین ارشادات رهبری درباره علوم انسانی:.....	۹
(۱) تولید علم و نظریه پردازی.....	۱۰
(۲) دوری از تحجر علمی.....	۱۰
(۳) شهامت علمی.....	۱۱
(۴) نواندیشی.....	۱۱
(۵) استفاده از دانش‌های روز با نگاه نقادانه.....	۱۱
(۶) استفاده از میراث علمی فرهنگی داخلی.....	۱۲
(۷) توجه ویژه به آموزه‌های قرآنی.....	۱۳
(۸) اعتماد به پژوهشگران داخلی.....	۱۴
(۹) توجه به هدف اصلی (مرجعیت علمی).....	۱۴
(۱۰) حرکت بی‌وقفه و شتابان.....	۱۵
(۱۱) ضرورت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری.....	۱۵

یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری که در سخنرانی‌های مختلف به ویژه در چند سال اخیر بر روی آن تأکید ورزیده‌اند مسئله «علوم انسانی» و مشکلات آن می‌باشد. ایشان بارها گلایه خود را در مورد وضعیت موجود این علوم ابراز داشته و تحول اساسی در محتوای درسی رشته‌های مختلف این علوم را لازم شمرده‌اند. بدون آن که به مناقشات مربوط به تعریف علوم انسانی وارد شویم. برای روشن شدن حوزه این علوم همین مقدار اشاره می‌شود که علمی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانشناسی اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، علوم ادبی، فلسفه، هنرهای زیبا و غیره ذیل عنوان علوم انسانی قرار می‌گیرند.^۱

حضرت آیت الله خامنه‌ای علاوه بر اینکه بر تولید علم و نهضت نرم‌افزاری به شکل عام برای رسیدن به استقلال و اقتدار کشور در موارد متعدد تأکید می‌کنند نگاه ویژه‌ای نیز به علوم انسانی دارند.

مهم‌ترین نکات درباره علوم انسانی در بیانات مقام معظم رهبری

مهم‌ترین نکاتی که ایشان درباره علوم انسانی فرموده‌اند از این قرار است:

۱) اهمیت علوم انسانی

از دیدگاه مقام معظم رهبری علوم انسانی به اندازه علوم صنعتی و پزشکی مهم است و پیشرفت و نظریه پردازی در آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان بسیاری از حوادث و اتفاقات دنیا را ناشی از نظریه پردازی‌های دانشمندان این رشته‌ها می‌دانند و می‌فرمایند:

«بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی در روان‌شناسی در فلسفه؛ آنها هستند که شاخصها را مشخص می‌کنند.»^۲

ایشان همچنین در پاسخ یکی از دانشجویان که از کم ارزش بودن این علوم در جامعه گلایه می‌کند می‌فرمایند:

«در همین علوم انسانی، مثلاً تاریخ، جامعه‌شناسی و روانشناسی‌ای که خودتان گفتید، پیشرفت کنید، حقیقتاً بدانید ارزش شما در جامعه و در سطح بین‌المللی، از یک پزشک پیشرفته یقیناً کمتر نیست؛ بلکه بیشتر هم هست. شما الان نگاه کنید، ببینید در این چهره‌های علمی معروف دنیا چند تا پزشک هستند، چند تا جامعه‌شناس یا مورخ وجود دارند. می‌بینید که تعداد و برجستگی این دومی بیشتر است. منتها باید کار کنید تا پیش بروید.»^۳

از دیدگاه معظم له علوم انسانی جهت دهنده و فکرساز است و مسیر و مقصد حرکت جامعه را تعیین می‌کند. می‌توان گفت یکی از دلایل مهم تأکید ایشان بر علوم انسانی این است که ایران کشوری در حال توسعه است و برای پیشرفت

۱- مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، دکتر علی دلاور، ص ۳۶-۳۷ و فرهنگ فارسی دکتر محمد معین.

۲- دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های شیراز، ۸۷/۲/۱۴.

۳- دیدار با نخبگان جوان، ۸۵/۶/۲۵.

و توسعه، الگوی کاملی لازم است که مقصد و مسیر براساس آن روشن می‌شود تعیین این الگو و معیارها و شاخص‌های توسعه بر عهده علوم انسانی می‌باشد. چگونگی تفسیر هستی‌شناسانه از انسان و اینکه او را موجودی تک ساحتی و یا دوبعدی بدانیم تأثیر عمیقی بر نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد و بر همین اساس الگوی توسعه تعیین می‌شود. به همین دلیل رهبر بزرگوار می‌فرمایند:

«اسلام انسان را موجودی دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته شود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگ و آئینی، انسان را تک ساحتی دانست و خوشبختی او را فقط در زندگی مادی دنیائی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی می‌داند به کلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت.»^۱

۲) وضعیت اسفبار علوم انسانی

علی‌رغم اهمیت و تأثیر گسترده علوم انسانی بر ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، وضعیت گذشته و حال این علوم در ایران بسیار ناگوار است. این علوم از طریق ترجمه متون غربی و به شکل کاملاً وارداتی وارد کشور شده است. و از آنجا که واردکنندگان آنها از علوم و اندیشه‌های اسلامی بی‌بهره یا کم بهره بوده‌اند آنچه را در متون غربی بوده کاملاً پذیرفته‌اند و به شکل‌های مختلف وارد کشور کرده‌اند، بدیهی است که نتیجه این علوم، بی‌اعتقادی یا سستی در باورهای دینی می‌باشد؛ چون اساساً بر مبانی مادی‌گرایی و تجربه‌گرایی پوزیتیویستی استوار می‌باشند. رهبر معظم انقلاب در موارد متعددی به این وضعیت ناگوار اشاره می‌فرمایند:

«بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادی‌گری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست.»^۲

ایشان با ابراز گله‌مندی از تعارض علوم انسانی در دانشگاه‌ها با آموزه‌های دینی و قرآنی می‌فرمایند:

«من درباره علوم انسانی گلایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی

۱- دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان، ۸۸/۲/۲۷.

۲- دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۸۸/۶/۸.

بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است.»^۱

مقام معظم رهبری گرچه چندین بار در سال جاری درباره این مسئله سخن گفته‌اند ولی این مهم در چند سال اخیر دائماً از سوی ایشان تذکر داده شده است. ایشان در سال ۸۴ در دیدار با اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند:

«با این همه تأکیدی که بر علوم انسانی شده، تقریباً علوم انسانی هم به همان شکل علوم پایه اداره می‌شود و باز همچنان همان اشکال به قوت خودش باقی است. ما آغوش‌مان را باز کرده‌ایم و حرف‌هایی که الان در زمینه‌های جامعه‌شناسی روان‌شناسی تاریخ و حتی فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود!»^۲

ایشان به دنبال این مطلب اضافه می‌کنند این حرف جدیدی نیست بلکه سال‌هاست که گفته شده است. شایسته توجه است که با این همه مشکلات در حوزه علوم انسانی، بیشترین فعالیت دانشگاه‌ها از جهت جذب دانشجو و تعداد هیأت علمی و امکانات آموزشی مربوط به همین رشته‌های علوم انسانی است و این مسئله به تعبیر مقام معظم رهبری بسیار نگران‌کننده است.

«طبق آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و بقیه دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون اینها دانشجویان علوم انسانی‌اند! این به یک صورت، انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبرز که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم، که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است.»^۳

۳) آسیب‌شناسی علوم انسانی

در آسیب‌شناسی از وضعیت فعلی علوم انسانی باید گفت گرچه هم محتوا و هم متن و هم بسیاری از استادان این درس دارای مشکل می‌باشند ولی از دیدگاه مقام معظم رهبری مشکل اصلی از ناحیه استادان ضعیف‌النفس می‌باشد که قدرت تحلیل نظریه‌های دانشمندان غربی را ندارند و مقهور اقتدار علمی غرب شده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

۱- دیدار با بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۷/۲۸.

۲- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۴/۱۰/۱۳.

۳- دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۸۸/۶/۸.

«امروز غربی‌ها یک منطقه ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به وجود آورده‌اند؛ در همه بخش‌های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روانشناسی بگیرید تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دل‌باخته این‌ها شده‌اند و نگاه می‌کنند به دهن اینها که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آنها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی مُنزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آنها فهمیده‌اند، درست است!»^۱

شیفتگی و تبعیت تام این استادان نسبت به اندیشه‌های غربی به اندازه‌ای است که رهبر فرزانه انقلاب از آن با تعبیر بت پرستی یاد می‌کنند و می‌فرمایند:

«اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آنهاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است.»^۲

به گفته ایشان، مشکل این گونه استادان این است که علاوه بر اینکه تقلید کورکورانه از غرب می‌کنند از دستاوردهای جدید علمی هم بی‌اطلاع هستند و در واقع فقط با نظریه‌های منسوخ غربی آشنا هستند.

«درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیردارندگان بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود که کهنه و دست مالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است. البته در همه زمینه‌ها همین طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین طور است. من آن روز به دوستانی که در زمینه‌های اقتصاد و مدیریت‌های گوناگون کشوری کار می‌کنند و در این جا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضی‌ها در این جا دنبال می‌کنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آنها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آنها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در این جا - کسانی که مجذوب حرف آنها هستند - تازه دارند آن دنباله‌ها را مطرح می‌کنند!»^۳

جالب است که رهبر معظم این هشدارها را در سال ۸۳ داده‌اند و عده‌ای گمان می‌کنند دغدغه علوم انسانی همین امسال از سوی ایشان طرح شده است. معظم له در دیدار دیگری در همان سال می‌فرمایند:

۱- دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۸۴/۱۰/۲۹.

۲- دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۸۴/۱۰/۲۹.

۳- دیدار با اعضای هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۸۳/۴/۱.

«آن طوی که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب اینجاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما این‌ها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند. اینها دو عیب دارند؛ یکی این که مقلدند، دوم اینکه از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه خود نگه داشته‌اند و امروز به جوان‌های ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند.»^۱

البته باید توجه داشت این فکر مقلدانه، خود به خود به وجود نیامده است و نمی‌توان همه تقصیر را بر عهده این گونه اساتید گذاشت. عقب ماندگی علمی جهان سوم و تعبد در مقابل نظریه‌های غربی یک برنامه استعماری است که توسط کشورهای غربی طراحی و اجرا شده است و از دیدگاه مقام معظم رهبری از ابعاد و لایه‌های پنهان و عمیق تهاجم فرهنگی است.

«من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد این است که مثلاً پسری موهایش را تا اینجا! بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا اینجا مخالفم. مسئله تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بند و باری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها در طول سال‌های متمادی به مغز و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه بر خلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روانشناسی، مخالف با نظریه فلانی است.»^۲

از همین رو ایشان هشدار می‌دهند که باید مراقب تئوری‌های وارداتی غربی باشیم.

«من می‌خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجه بدهم که مواظب تئوری‌های وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکم آمیز غرب با کشورهایی از قبیل کشور ما را ندارند، باشند.»^۳

ایشان همچنین می‌فرمایند:

«دست‌های فعال در سیاست‌های بین المللی روی این مسئله کار کرده‌اند که کشورها را به همین خرج روزانه سرگرم کنند، تا آنها را از کارهای سیاسی و از آن چیزهایی که می‌توانند جهت آنها را مشخص کند و فرهنگ مستقل آنها را بارور کند، معرض نکنند. لذا داخلی‌ها هیچ گونه همتی نکردند. تلاشی نکردند. آنها هم دیدند

۱- دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۸۸/۴/۱۷.

۲- دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۸۸/۴/۱۷.

۳- دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۸۸/۴/۱۷.

زمینه این است، عمل کردند. بنابراین باید مسئولان هم اهمیت علوم انسانی را بفهمند. وقتی این معرفت و باور به وجود آمد، کار شما آسان خواهد شد.»

کارشکنی غربی‌ها نسبت به توسعه علمی ملت‌های دیگر تا جایی است که رهبر معظم می‌فرمایند:

«برخلاف مبانی خودشان دموکراسی و آزادی بیان از چاپ مقالات، تا آنجا که بتوانند اجتناب می‌ورزند. همان طور که ذکر کردند، حجم مقالاتی که از ما چاپ شده، خوب است؛ اما من اطلاع دارم به خصوص در زمینه علوم انسانی که بعضی از مجلات I.S.I اصلاً مقاله محقق ما را چاپ نمی‌کنند؛ چرا؟ به خاطر اینکه با مبانی آنها سازگار نیست. بله ممکن است ما درباره فلسفه، روانشناسی، تربیت و دیگر مباحث حرف‌هایی داشته باشیم؛ پژوهشگر ما تحقیقی کرده و به نقطه‌ای رسیده همان چیزی که ما می‌خواهیم و مرزی را باز کرده که با خاستگاه این دانش که غرب است و با ارزش‌های آن هماهنگ است سازگار نیست. لذا مقاله را چاپ نمی‌کنند! این هم پاسخ ساده لوحی بعضی‌ها که خیال می‌کنند دنیای لیبرال دموکراسی به معنای واقعی کلمه باز است و هر کس هر چه می‌خواهد، می‌تواند بگوید؛ نه، آنها حتی پژوهش علمی را هم با میزان کار می‌کنند! این، از جمله چیزهای هشدار دهنده و عبرت انگیز است. اگر شما اطلاع ندارید، تحقیق کنید؛ به آنچه من عرض می‌کنم خواهید رسید.»^۱

به همین دلیل ایشان در ادامه این سخن، پیشنهاد می‌دهند یک مرکز I.S.I اسلامی با حضور کشورهای مختلف مسلمان تشکیل شود تا پژوهشگران مسلمان علاوه بر رابطه با مجلات I.S.I جهانی، وابستگی کمتری به آنها داشته باشند.

۴) بایسته‌های علوم انسانی

بدیهی است که فقط با گفتن نارسایی‌های علوم انسانی مشکلی حل نخواهد شد و ضرورت دارد پس از توجه به وضعیت ناگوار علوم انسانی، به فکر چاره بود. رهبر معظم انقلاب نیز به ذکر عیوب اکتفا نکرده و در بیانات مختلف خویش راهکارهایی را برای برون رفت از وضعیت موجود ارائه فرموده‌اند. البته لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مربوطه برنامه‌های اجرایی لازم جهت عملی کردن این بیانات گهربار را تدوین کنند.

مهمترین ارشادات رهبری درباره علوم انسانی

مهمترین ارشادات رهبری در این رابطه به قرار ذیل می‌باشد:

۱) تولید علم و نظریه پردازی

یکی از مهم‌ترین ارکان استقلال و پیشرفت کشور تولید علم در همه ابعاد آن است و بدیهی است که از جمله این علوم، علوم انسانی می‌باشد و همان گونه که پیشتر اشاره شد از دیدگاه مقام معظم رهبری اهمیت استقلال در این علوم اگر بیشتر از علوم پزشکی و فنی نباشد یقیناً کمتر از آن نیست زیرا این علوم نقشه راه و الگوی توسعه را می‌نمایاند. بنابراین تأکیدات مقام معظم رهبری در زمینه تولید علم و نهضت نرم افزاری که نیازمند بحث مستقلی است شامل علوم انسانی نیز می‌شود. ایشان در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان در سال جاری به همین نکته اشاره می‌فرمایند:

«البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست؛ جامعه‌شناسی روانشناسی، فلسفه و غیره بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید.»^۱

ایشان همچنین می‌فرمایند:

«البته وقتی از علم صحبت می‌شود، ممکن است در درجه اول، علوم مربوط به مسائل صنعتی و فنی به نظر بیاید - که در این دانشگاه هم بیشتر مورد توجه است - اما من به طور کلی و مطلق این را عرض می‌کنم. علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، به نوآوری و نواندیشی علمی - یعنی اجتهاد - احتیاج دارد.»^۲

معظم له در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز می‌فرمایند:

«تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه پردازی‌های غربی و شیوه ترجمه گرائی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی به نظریه‌سازی احتیاج داریم.»^۳

۲) دوری از تحجر علمی

بدیهی است که از مهمترین مقدمات نواندیشی علمی این است که محقق، بر نظریه‌های گذشتگان جمود نداشته باشد تا بتواند در فضایی باز و بدون تعصب به تحقیق علمی بپردازد. چنانچه نظریه‌هایی ارائه شده در هر علمی به عنوان پیش فرض تلقی شود راه هر گونه رشد علمی بسته می‌شود. همان گونه که گذشت رهبر معظم انقلاب یکی از مصائب علوم انسانی را پذیرش بی‌چون و چرای نظریه‌های دانشمندان غربی دانسته و از آن به نوعی بت پرستی یاد کردند. ایشان همچنین می‌فرمایند:

«یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسأله تحجر، فقط بلای محیط و افکار دینی نیست؛ در همه محیط‌ها، تحجر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی گراییهایی که بر انسان تحمیل شده

۱- بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۸۸/۲/۲۷.

۲- دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۷۹/۱۲/۹.

۳- دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های شیراز، ۸۷/۲/۱۴.

بدون این که منطق درستی به دنبالش باشد یک بلاست. آنچه برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است.^۱

۳) شهامت علمی

از آنجا که نواندیشی علمی و دوری از جمودگرایی، نیازمند ساختارشکنی است این امر علاوه بر داشتن معلومات گسترده نیازمند جرئت و شجاعت علمی است. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

«البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است، یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند. بنابراین جرأت علمی لازم است.»^۲

۴) نواندیشی

فرهنگ‌سازی در فضای کنونی دانشگاه‌ها که علم بیشتر حالت تقلیدی دارد، نظریه پردازی بسیار دشوار است. این مسئله نیازمند ایجاد یک نگاه خاص به علوم انسانی در همه سطوح استادان و دانشجویان است. رهبر معظم به دنبال تأکید بر نواندیشی و پرهیز از تحجر می‌فرمایند:

«این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم هست.»^۳

۵) استفاده از دانش‌های روز با نگاه نقادانه

رهبر فرزانه انقلاب بارها متذکر شده‌اند که انتقادی که به شیوه اخذ علوم از غربی‌ها دارند به معنای نفی کامل این علوم نمی‌باشد. ایشان ارتباط با علوم روز را لازم می‌دانند ولی هشدار می‌دهند که این رابطه به شکل یک طرفه و پذیرش تام نباشد. بنابراین باید با نگاه نقادانه آنها را ارزیابی کرد تا معلوم شود قابل پذیرش هستند یا خیر و در صورت پذیرش آیا نیازمند اصلاح هستند یا خیر.

۱- در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۷۹/۱۲/۹.

۲- در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۷۹/۱۲/۹.

۳- در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۷۹/۱۲/۹.

«بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.»^۱

این تذکر استفاده از علوم غربی همراه با نقد آنها سال هاست که توسط معظم له مورد تأکید می باشد. ایشان در سال ۱۳۷۸ در دیدار با نخبگان علمی کشور چنین می فرمایند:

«آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می شود که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می گردد این است که دهها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می کنیم، می خوانیم، حفظ می کنیم و بر اساس آنها تعلیم و تعلّم می کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی یابیم! باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فرا گرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روحمای قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب های علمی در دنیا این گونه به وجود آمده است.»^۲

ایشان همچنین تأکید می ورزند که رابطه ما با غرب در حوزه علوم نیز باید یک رابطه دوسویه باشد. یعنی همان گونه که برخی از نظریه های آنان را می پذیریم، آن قدر قوی باشیم که بتوانیم نظریه هایی مطرح کنیم و آنان بپذیرند.

«رابطه بین کشورها در زمینه علم باید رابطه صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می شود و احساس غبن می کند، در زمینه علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد می کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. والا اگر شما دائماً ریزه خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست.»^۳

۶) استفاده از میراث علمی فرهنگی داخلی

از دیگر اموری که باید مورد توجه قرار گیرد، مواریث گران بهای علمی گذشتگان ایرانی و اسلامی است. البته چگونگی استفاده از این منابع عظیم علمی و فرهنگی و به روز کردن آنها فعلاً مورد نظر نمی باشد و باید در جای خود به تفصیل بررسی شود، آنچه در اینجا مهم است اصل توجه به این سرمایه ملی اسلامی ارزشمند است. این مسئله بسیار مهم بارها مورد تأکید رهبری معظم قرار گرفته است.

«ما در بخشی از رشته های علوم انسانی، قرن ها جلوتر از دنیا هستیم. خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد به حساب می آیند. چرا این ها را دنبال نکنیم؟ در رشته های گوناگون علوم انسانی؛ ادبیات، فلسفه، تاریخ، هنر، ما خیلی سابقه داریم. بعضی از علوم انسانی دیگر هم هست که اگرچه از غرب

۱- دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه های کردستان، ۸۸/۲/۲۷.

۲- در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۷۹/۱۲/۹.

۳- در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۷۹/۱۲/۹.

آمده، اما اگر درست دقت کنیم، خمیرمایه آن که عبارت از عقلانیت و تجربه گرایی است، از تفکر و روح ایرانی - اسلامی است. اروپای خرافاتی نمی‌توانست زیست‌شناسی و اقتصاد و مدیریت و روانشناسی و جامعه‌شناسی را به این شکل تنظیم کند. این، سوغات تفکر علم‌گرایی و تجربه گرایی شرق و عمدتاً ایران اسلامی بود که رفت در آنجا و به این تحول منتهی شد.^۱

ایشان پس از انتقاد از تقلید کورکورانه از دستاوردهای علمی غرب در زمینه علوم انسانی می‌فرمایند:

«شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات، و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آنها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این چنینی و مستقل بسازیم.»^۲

ایشان همچنین اضافه می‌کنند:

«شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه‌ها و مایه‌های محکمی در این جا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته خود ما.»^۳

۷) توجه ویژه به آموزه‌های قرآنی

از توصیه‌های اکید مقام معظم رهبری، انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه گذاری این علوم بر مبانی قرآنی است. از آنجا که قرآن کتاب هدایت انسان است، او را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده است. بنابراین توجه به آموزه‌های قرآنی و ابتناء نظریه‌های مربوط به علوم انسانی بر قرآن نه تنها ممکن بلکه بسیار ضروری می‌باشد. ایشان در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه کشور می‌فرمایند:

«این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون این که هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت

۱- دیدار با نخبگان جوان، ۸۶/۶/۱۲.

۲- در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۸۴/۱۰/۲۹.

۳- در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۸۴/۱۰/۲۹.

می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.»^۱

براساس این سخن استفاده از نظریات دیگران متوقف بر این است که پیش از آن پژوهش‌های قرآنی صورت گرفته باشد و نظر قرآن اخذ شده باشد. این تأکید گاهی به شکل عمومی‌تر و با نگاه به آموزه‌های اسلامی از سوی معظم له صورت گرفته است:

«ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم.»^۲

۸) اعتماد به پژوهشگران داخلی

انجام چنین کار بزرگی یعنی تولید علم و نظریه پردازی علمی متناسب با نیازها و فرهنگ ایرانی و اسلامی باید توسط پژوهشگران ایرانی انجام شود و طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت فلان پژوهشگر خارجی بیاید و این کار را برای ما انجام دهد. مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه پژوهشگران ایرانی بهره کافی هوش را دارند و می‌توانند چنین کاری انجام دهند. می‌فرمایند:

«عقب ماندگی ما از دنیای پیشرفته از لحاظ علمی، عقب ماندگی زیاد و قابل توجهی است؛ این را می‌دانیم، این را می‌فهمیم و از او رنج می‌بریم. علت هم این است که ملت ما یک ملت دارای هوش زیر متوسط نیست که بگوید حالا حقم است. ملت ما ملتی است که دارای هوش بالای متوسط جهانی است؛ این حرفی است که ثابت شده؛ همه می‌گویند. خیلی‌ها ذکر می‌کنند، می‌گویند، آثارش هم مشاهده می‌شود.»^۳

ایشان با تأکید بر استفاده از نیروهای جوان می‌فرمایند:

«امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه علوم انسانی به وجود آورند؛ از اینها باید استفاده بشود.»^۴

۹) توجه به هدف اصلی (مرجعیت علمی)

از دیدگاه مقام معظم رهبری مقصود از نواندیشی علمی در علوم انسانی صرفاً ارائه چند نظریه در کنار نظریه‌های دیگران نیست. از دیدگاه ایشان هدف اصلی این حرکت باید فتح قله‌های علمی جهانی و رسیدن به مرجعیت علمی باشد یعنی به جایی برسیم که حرف اول را در جهان علم بزنیم و دیگران به سراغ ما بیایند و استفاده ببرند.

۱- دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۷/۲۸.

۲- دیدار با جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۸۲/۸/۸.

۳- دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴.

۴- در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

«کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا؛ همین طور که بارها عرض کرده‌ایم. یعنی همین طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندانی، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جوینده دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند. هدف باید این باشد. این یک آرزوی خام هم نیست. این چیزی است که عملی است. اینجایی هم که ما امروز از لحاظ علمی و فناوری قرار داریم، این هم یک روزی جزو آرزوهای خام به حساب می‌آید.»^۱

۱۰) حرکت بی‌وقفه و شتابان

بدیهی است برای رسیدن به این هدف عالی مرجعیت علمی نمی‌توان به دستیابی به برخی افتخارات هر چند بزرگ، غره شد بلکه برای وصول به این مقصود بزرگ، حرکتی سریع، مستمر و شتابان لازم است.

«در این سال‌های اخیر که مسئله تولید علم و نهضت تولید علم، نهضت نرم‌افزاری، بازگشت به خود، اهتمام به تحقیق در دانشگاه‌ها مطرح شده، یک حالت جهشی در این حرکت به وجود آمده است؛ ... آنچه مهم است این است که این جهش باید ادامه پیدا کند. ما در زمینه مسائل علمی دچار عقب ماندگی مزمن هستیم. آنچه که اهمیت دارد - که من حالا بعد هم عرض خواهم کرد - مسئله ادامه حرکت سریع است. ما باید این سرعت و شتابی را که در حرکت علمی ما وجود دارد، سال‌ها ادامه بدهیم؛ هیچ جایز نیست که ما اندکی توقف کنیم.»^۲

۱۱) ضرورت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری

انجام چنین حرکتی نیازمند برنامه‌ریزی از سوی مسئولین ذی‌ربط می‌باشد. سرمایه‌گذاری برای انجام پژوهش‌های بنیادین، ساماندهی پژوهش‌ها، جذب و تربیت پژوهشگران ویژه و غیره از جمله اموری است که اجتناب‌ناپذیر است. مسئول اصلی این حرکت نیز از دیدگاه مقام معظم رهبری شورای عالی انقلاب فرهنگی است ایشان در سال ۱۳۸۴ در دیدار اعضای این شورا با لحنی گلایه‌آمیز، مسئولیت اصلی را متوجه آنان کرده و می‌فرماید:

«ما باید در زمینه علوم انسانی یک کار اساسی بکنیم و این حرف، حرفی نیست که امروز به ذهن کسی رسیده باشد؛ نه، این حرف، سال‌هاست که گفته شده و باید تحقق پیدا کند. چه کسانی باید این کار را بکنند؟ این مجموعه حاضر و همان مجموعه‌ای که ما ان شاءالله پیش خدای متعال با آنها احتجاج خواهیم کرد و امیدواریم از عهده احتجاج هم بریایند؛ اگر خدای متعال سؤال کرد.»^۳

۱- دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴.

۲- دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴.

۳- در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۴/۱۰/۱۳.

ایشان در همان سال در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«من در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به آن آقایانی که مؤثرین در فرهنگ هستند، گفته‌ام که شماها جایگاه مهندسی فرهنگی را در این کشور دارید. در آن جلسه گفته‌ام که دو شاخه اصلی وجود دارد؛ علوم انسانی و علوم پایه؛ هر کدام به جای خود. اگر ما این جا روی علوم انسانی تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که روی ریاضی و فیزیک و شیمی و علوم زیستی تکیه نمی‌کنیم، چرا؛ آن جا هم بنده یک تکیه صددرصدی دارم؛ آنها هم برای خودشان مردانی و کسانی دارند؛ علوم انسانی هم بایستی مردان و کسانی برای خودشان داشته باشد. باید روی این دو شاخه - دو شاخه اصلی؛ یعنی علوم انسانی و علوم پایه - در کشور، سرمایه گذاری فکری، علمی، پولی و تبلیغی بشود تا این که پیش بروند. علم را بایستی در حدّ اعلای دنبال کنید.»^۱

منبع: مجله معارف، آذر ۱۳۸۸، شماره ۷۱